

تدوین سیاست‌های ارتقای محیط‌های دوستدار کودک مبتنی بر ترجیحات محیطی کودکان (نمونه مطالعاتی: کودکان حاضر در فضاهای عمومی منطقه

۶ شهرداری تهران)^۱

کیانوش ذاکر حقیقی^۲

دانشیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان ایران

سعید حاجی بابایی

دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

چکیده

علی‌رغم توجه به ضرورت ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او برای رسیدن به آن تعالی، پژوهش‌های مختلف در این حوزه ترجیحات کودکان مبتنی بر فرهنگ و ساختار ذهنی کودکان را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. هدف این مقاله کنکاش پیرامون ترجیحات محیطی کودکان از طریق بررسی فضاهای بیرونی مختلف شهری بر مبنای الزامات کنوانسیون شهر دوستدار کودک به منظور تدوین شرایط و معیارهای طراحی بر اساس شرایط محلی است. بدین منظور، با استفاده از روش میدانی نظر خردسالان در ارتباط با فضاهای مختلف بیرونی مورد استفاده از جنبه‌های مختلف موردنظر تحلیل می‌گردد. نتایج تحلیل نشان‌دهنده تفاوت آشکار میان ترجیحات خردسالان در مقایسه با معیارهای متداول برای طراحی فضاهای کودکان و در مواردی تضاد آشکار در میان خواسته‌های ایشان مبتنی بر روحیه زندگی کلان‌شهری است. برای مثال، مطالعه نشان می‌دهد علی‌رغم دوری فضاهای شهری مانند پارک‌های ساعی از منزل کودکان پاسخ‌دهنده، به دلیل وجود تعداد زیادی از عوامل شش‌گانه مورد بررسی، کودکان حضور در این فضاها را بر فضاهای نزدیک به منزل ترجیح می‌دهند. مقاله در نهایت به تدوین سیاست‌های ارتقای محیط دوستدار کودک به شیوه‌ای بومی مبتنی بر ۴ هدف سرزندگی، انعطاف، خاطره‌انگیزی و ایمنی و البته ترجیحات خردسالان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ترجیحات محیطی کودکان، ارزیابی فضاهای بیرونی فضای شهری دوستدار کودک، منطقه ۶ شهرداری تهران.

^۱ - مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تعیین میزان تناسب کالبد شهر برای کودکان در فضاهای شهری ویژه کودکان" است که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان صورت گرفته است.

^۲ - نویسنده مسئول K.zakerhaghigi@gmail.com

مقدمه

با رشد روزافزون تعداد آپارتمان‌ها در شهرهای امروزی و به تبع آن ترویج فرهنگ آپارتمان‌نشینی، ضرورت ایجاد فضایی مطلوب برای فعالیت‌های کودکان بیش از پیش نمود پیدا کرده است. این فعالیت‌ها در فضای بیرون از خانه فضاهای عمومی، فضاهای باز در محوطه آپارتمان‌ها و غیره را شامل می‌شود (Abdol aziz & Sani, 2010:244). کودکان جزو گروه‌های جمعیتی قرار دارند که علاقه بالقوه را نسبت به بازی در پارک‌ها دارند (Maas et al., 2009:971) اخیراً با تغییرات انجام‌شده در شیوه زندگی و آپارتمان‌نشینی، پارک‌ها نقش فعال‌تری را برای بازی، تفریح و اوقات فراغت کودکان ایفا می‌کنند (Reyes et al., 2014:38). همچون بزرگسالان فعالیت‌های کودکان را در فضاهای عمومی می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد که هر یک به ویژگی‌های متفاوتی در محیط کالبدی نیاز دارند: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی، و فعالیت‌های اجتماعی. یکی از اساسی‌ترین وظایف هر فضای شهری آن است که نیازها و علایق استفاده‌کنندگان را به نحو مطلوب و بر مبنای این سه نوع فعالیت پاسخ‌گو باشد. بدیهی است که ترکیب این سه نوع حضور در فضا که برآیندی از ویژگی‌های ساختار روانشناسی فضایی هستند، بر درک از هویت مکان تأثیرگذار است (خطیبی، ۱۳۹۰: ۶۶).

تا پیش از قرن ۱۶ مفهوم کودکی مورد توجه جدی پژوهشی قرار نگرفته و بعد از دوره رنسانس علی‌رغم تجلی مفهوم کودکی، ساختار اجتماعی مرتبط با آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و دلیل این امر هم عدم توجه به کودکان به عنوان یک قشر خاص با نیازهای مختص بوده است (Aries, 1962:45; Qvortrup, 2005:54). در اصل می‌توان گفت که تفکر در مورد دوران کودکی از زمان اختراع ماشین چاپ مورد توجه قرار گرفته، زیرا این اختراع تفاوت میان جوان و کودک را بر مبنای قرارگیری در ساختارهای اجتماعی آشکار نموده است (Postman, 1982:21). با این مقدمه می‌توان گفت که توجه به مقوله کودکی از نیمه دوم قرن بیستم اهمیت بسیاری پیدا کرد. اهمیت موضوع به حدی است که امروزه عمل بر خلاف میل آنها نوعی گناه محسوب می‌گردد (Cunningham, 1995:22). پیشرفت موضوع به حدی است که در دو دهه اخیر ورود مفهوم شهر دوستدار کودک در متون شهری جهان به شدت چشمگیر است. شهر دوستدار کودک دستورالعمل‌های جدیدی را برای دوران کودکی متصور شده و معنی خاصی برای کودکی در نظر گرفته و قوانین غیرقابل تغییر توسط والدین و بستگان و اجتماع و دولتمردان را برای کودکان وضع نموده است. بعد از ایجاد کنوانسیون شهرهای دوستدار کودک کلیه کشورهای دنیا در ایجاد محیط‌هایی که بقای کودکان و رشد آنها را تضمین می‌نماید به همبستگی و اتفاق نظر رسیدند (Chatterjee, 2002:98). هدف این تحقیق کنکاشی در نحوه ایجاد محیط مناسب و دوستانه برای کودکان و شهر دوستدار کودک است. در ابتدا چارچوبی برای درک مفاهیم مرتبط از تلفیق مسائل روانشناسی و جغرافیا و طراحی و برنامه‌ریزی شهری استفاده می‌گردد. سپس، نحوه تأثیر این موارد را روی کودکان بررسی و چگونگی ایجاد تصاویر منفی و مثبت توسط این عوامل در ذهن کودکان شناسایی گردد.

شهر دوستدار کودک: محیط دوستدار کودک پیچیده است و با توجه به مطالعات مختلف، باز هم درک و ارزیابی این محیط‌ها بسیار مشکل می‌باشد. برای درک مفهوم محیط‌های دوستدار کودک از یک سو تحلیل‌های مبین محیط خوب و از سوی دیگر مطالعاتی در خصوص محیط‌های خوب مورد احتیاج است (Horelli &

Prezza, 2004:33). مفهوم شهر دوستدار کودک به طور کل به این معنی است که دولتمردان چگونه این شهرها و به خصوص فضاهای مورد استفاده کودکان را بر اساس علایق ایشان اداره می‌کنند و در آن حقوق اساسی کودکان مثل حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس کودکان به عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند (کیانی و کواکی، ۱۳۹۱:۵۳). لذا شهرهای دوستدار کودک به دنبال ایجاد مشارکت کودکان به منظور شکل دادن به محیط اطرافشان می‌باشند؛ مشارکت عملی که باعث ایجاد علاقه و تعلق‌پذیری کودک نسبت به شهر می‌شود (کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۲:۶۱). همچنین مشارکت کودکان در فرایندهای توسعه محیط می‌تواند برای کودکان با آموزش مهارت‌های جدید همراه باشد و برای بزرگسالان با کسب درک بهتری از دیدگاه کودکان در مورد محیط محلی، مفید باشد. فهم نظر کودکان به عنوان ابزاری برای معنا دادن به محیط متناسب و پذیرای کودک، از مفاهیم پیچیده و بغرنج زمان حال است. مشارکت کودکان می‌تواند از فرصت ساده برای توصیف واقعیت‌های زندگی، تا دخالت واقعی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی عملی، اشکال گوناگونی به خود بگیرد (قره‌بگلو و دیگران، ۱۳۹۲:۷۲). این بحث منبث از مباحث و نظریات مطرح کنوانسیون شهرهای دوستدار کودک و دستور کار ۲۱ است. مهم‌ترین نکته در این مباحث تفسیر علائق کودکان است، زیرا معمولاً شهرها به نحوی طراحی می‌شوند که کودکان را چندان در نظر ندارند و بیشتر طراحان شهری هدفشان موفقیت طرح در تحلیل‌های هزینه-فایده است.

از جمله شاخص‌های فضایی شهر دوستدار کودک می‌توان به همبستگی اجتماعی، تنوع مکان‌های پرجاذبه برای فعالیت، امنیت و آزادی تحرک، مکان‌های ملاقات افراد هم‌سن‌وسال، هویت اجتماعی منسجم و محدوده‌های سبز اشاره کرد. (کاشانی جو و همکاران، ۱۳۹۲:۲۴۳). به صورت معمول کودکان محیط مناسب خود را محیط‌های خالی از سایر افراد می‌دانند. برای برآوردن علاقه کودکان باید این محل‌های خالی را برای کودکان حفظ نمود تا کودکان بتوانند در آن بازی کنند. کودکان جزو گروه‌های جمعیتی قرار دارند که علاقه بالقوه نسبت به بازی در پارک‌ها دارند. دستورالعمل جهانی کنوانسیون شهرهای دوستدار کودک تعهد نموده است تا محیط‌هایی تربیتی برای کودکان و جوانان ایجاد نماید، محیط‌های آسیب‌رسان به این قشر را اصلاح نماید و محیط‌های زندگی کودکان را بهبود بخشد. همچنین این دستورالعمل تأکید زیادی بر همکاری دولت‌مردان محلی با سرمایه‌گذاران دارد تا بدین وسیله مسائل و مشکلات کودکان بهتر روشن شوند و در حل این مشکلات موفق‌تر عمل نمایند. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر شهرها، با توجه به رعایت موارد کنوانسیون شهرهای دوستدار کودک، موضوع محیط کالبدی کودکان را بی‌اهمیت می‌شمارند و گاه بسیاری از قوانین این شهرها در راستای ایجاد شهرهای دوستدار کودک نمی‌باشند (Bartlett, 2002:3). فضای شهری باید محلی برای آموزش و پرورش و تفریح کودک باشد. بنابراین شهر باید امنیت را برای کودکان به ارمغان آورد و برای کودکان جذاب باشد. به این دلیل، وجود فضاهای مناسب کودکان امری ضروری به نظر می‌رسد که کودک را در محیطی امن برای شناخت محیط اطرافش قرار می‌دهد تا کودک در آن دوست پیدا کند و به فعالیت‌های گوناگون پردازد و علایق خودش را با دیگران به اشتراک بگذارد و در ادامه در یک تعامل دوطرفه، چگونگی همزیستی با دیگران را یاد بگیرد (Chawla & Heft, 2002:210).

محیط‌های دوستدار کودک به عنوان ساختار ارتباط کودک با محیط پیرامون: یکی از جدی‌ترین تعاملات کودک با محیط پیرامون خود در قالب بازی اتفاق می‌افتد. بازی در عین این که وسیله سرگرمی کودک است نقش بسیار مهمی را در آموزش و پرورش و رشد جسمی و ذهنی کودک ایفا می‌کند (عظمتی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۰). به عبارت دیگر کودکان بیشتر علاقه‌مند به ارتباط‌گیری و انجام بازی‌های گروهی با کودکان هم‌سن خود هستند و تأثیر بسیار زیادی را از آنها می‌پذیرند و همین امر باعث رشد ذهنی آنها می‌شود؛ به طوری که معمولاً سرعت رشد ذهنی کودکان از رشد بدنی آنها بیشتر است (Amouzegar, 2010: 1969). ارتباط فرایندی است که در آن کودک انتخاب می‌کند و انتخاب می‌شود. برای برقراری ارتباط نیاز مبرم به درک متقابل از یکدیگر است. مفهوم حس مکان به صورت فردی یا گروهی مطرح می‌گردد و شامل مفاهیم حس هر فرد به مکان‌ها می‌باشد. این حس دارای سه مرحله می‌باشد که عبارتند از وابستگی به مکان، دلبستگی و تعهد به مکان (Hartrup, 1991: 2). وابستگی نیز به نوبه خود به معنی تأثیر روابط بین مردم و محیط است و فراتر از سلیقه، داوری و عقیده است. این تعریف، زیرساختی از هویت فرد و شناخت محیط کالبدی و شناخت، بیانگر خاطرات و نظرات و احساسات و ارزش‌ها و مفاهیم و زندگی هر فرد با محیط کالبدی است. این موضوع مابین محیط و اهداف رفتاری خاص بیان می‌گردد. این مفهوم به سؤال چگونگی تفاوت محیط‌ها پاسخ می‌دهد (Riley, 1992: 18).

هویت محل و دلبستگی به محیط و حفظ دستاوردهای محیط‌های مفید نیز همگی پدیده‌هایی در ارتباط با احساسات هستند (Korpela, 1989: 245). ارتباط نیز همانند دلبستگی شامل عوامل تأثیرگذار زیادی می‌باشد و می‌توان آن را به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط با همسالان در نظر گرفت. از همین روست که مدل دلبستگی به مکان بیشتر از تمامی موضوعات مورد بررسی قرار گرفته است. هم ارتباط و هم دلبستگی به محیط برای ساخت مفهوم ارتباط با مکان باید در نظر گرفته شوند (Jorgensen & Stedman, 2001: 240).

محدودیت‌های کودکان در استفاده از مکان: نوع رفتار کودکان، محل بازی آنها و مشکلات ناشی از فعالیت‌های کودکان به صورت مستقیم در طراحی و استقرار فضاهای شهری کودکان اثر می‌گذارند. بنابراین شناخت این الگوها و دستورات عمل‌ها به شناسایی علت ایجاد این مشکلات نیز کمک خواهد کرد (Latfi & Abdul Karim, 2012: 304). البته به علت استفاده زیاد کودکان از محیط بیرون می‌توان این گونه نتیجه گرفت که عوامل تشویق‌کننده به استفاده از محیط توسط کودکان زیاد می‌باشند. محدودیت‌های استفاده از مکان تنها توسط بررسی محیط بیرونی شناخته نمی‌شوند، بلکه برای شناخت بهتر آنها باید رفتار و فکر کودکان در محیط را نیز بررسی نمود. براساس مصاحبه‌هایی که با کودکان انجام شده است الگوی استفاده از محیط‌های بیرون از منزل یافت شده است. از مصاحبه با معلمان مدارس نیز این نکته درک شده است که برای ایجاد محیط مناسب برای دختران هیچ تلاشی صورت نپذیرفته است. در بررسی‌های به عمل آمده این نکته آشکار شده است که دخترانی که سن کمتری دارند علاقه بیشتری به بازی در خارج از منزل دارند و بنابراین بیشتر از سایرین مجوز از والدین برای در اجتماع بودن می‌گیرند (Chawla & Heft, 2002: 214). همچنین مشخص شده است که به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی و عدم اجازه والدین، دختران در سنین بالاتر، کمتر می‌توانند در محیط بیرون از منزل بازی کنند (Chawla & Heft, 2002: 216). همچنین این بررسی‌ها نشان داده‌اند که علاوه بر مطالب فوق مسائلی مانند محل منزل در محله و هویت محله، نقش مهمی در

میزان استفاده دختران از محیط دارند. برای مثال اگر منزل نزدیک به مکان‌هایی که دختران دوست دارند باشد، امنیت بیشتری از طریق نظارت والدین کسب می‌کنند. البته دختران با سن بالاتر کمتر تحت تأثیر نزدیکی محل بازی با محل زندگی هستند. پسران محدودیت کمتری در استفاده از محیط‌های بیرون خانه دارند. حتی پسران به رضایت والدین از بازی کردن آنها در بیرون از خانه اشاره کرده‌اند. البته پسران، شلوغی خیابان‌ها را در میزان استفاده آنها از اماکن عمومی حائز اهمیت می‌دانند (Valsiner, 1997:217).

داده‌های مناسبی در خصوص سلامت، رفاه، تحصیلات و کار و اخلاق کودکان ایرانی وجود دارد، اما اطلاعات مناسبی از محیط‌های کودکان و تأثیر آنها بر کودکان وجود ندارد. چارچوب کلی این پژوهش، دارای انواع مختلفی از مصاحبه و مشاهده است و اکثراً با کودکان مصاحبه انجام می‌شود تا به افکار کودکان و احساس و انتظارات آنها پی برده شود. این شیوه توسط محققان مختلفی تاکنون پیاده‌سازی شده است (Patton, 1990:3; Dudek, 2005:12). با توجه به مطالعات ذکر شده روش کیفی برای جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه از مطلوبیت بیشتر برخوردار است. برای پاسخگویی به سئوالات پرسشنامه جواب‌های کیفی و کمی آماده شد. ابتدا ۳۱ کودک شناسایی شد و سپس آنها به یک گروه ۱۱۵ نفری بسط داده شدند و نظر آنها را در ارتباط با محله ایشان پرسیده شد. این گروه ۱۱۵ نفره شامل دوستان ۳۱ نفر ابتدایی هستند که توسط خود کودکان جمع‌آوری شده‌اند. براین اساس دانش آموزان درباره محله و مکان‌های مورد علاقه صحبت کردند.

محدوده مورد مطالعه باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند: الف) باید انواع گوناگون محیط‌های اجتماعی-کالبدی را داشته باشد؛ ب) محله‌ای که تعداد زیادی کودک از محیط‌های عمومی آن استفاده کنند؛ ج) یک اجتماع همگن باشد؛ د) محدوده باید شرایط زندگی اکثریت مردم را به درستی نمایش دهد (Kytta, 2003:8). بر این مبنا محلات شمالی منطقه شش شهرداری تهران به عنوان مکان انتخاب جامعه آماری انتخاب گردید. منطقه شش یکی از مناطق نسبتاً قدیمی شهر تهران به شمار می‌آید که در مرکز این شهر واقع گردیده و معادل ۲۱۳۸/۴۵ هکتار و در حدود ۳/۳ درصد از سطح شهر را شامل می‌گردد. منطقه شش به لحاظ موقعیت جغرافیایی در حوزه مرکزی شهر تهران واقع گردیده که از سمت شمال به منطقه ۳، از شرق به منطقه ۷، از جنوب به مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و از غرب به منطقه ۲ محدود می‌گردد. از عمده‌ترین ویژگی کالبدی منطقه شش می‌توان به موقعیت قرارگیری آن در مرکز شهر تهران از یک سو و از سوی دیگر استقرار مهم‌ترین کاربری‌های اداری-خدماتی با مقیاس عملکردی فرامنطقه‌ای، و شهری-فراشهری در آن در کنار کاربری‌های مسکونی با کیفیت اشاره نمود. با توجه به بازدیدهای به عمل آمده از این منطقه می‌توان گفت که این منطقه اجازه فعالیت کالبدی و روابط اجتماعی مناسب را برای کودکان فراهم می‌نماید. مکان‌هایی که در آنها ارتباط اجتماعی و فعالیت‌های کالبدی وجود دارد مناسب‌تر از دیگر اماکن عمومی می‌باشند.

در این تحقیق فهرستی از فعالیت‌های کودکان در محیط‌های گوناگون تهیه می‌شود و آنها را تحلیل می‌نمایند. برای این تحلیل، فعالیت‌هایی مانند دوچرخه‌سواری، دویدن، بازی با توپ، بازی با حیوانات، پریدن، کوهنوردی، نقاشی، آب بازی، دزد و پلیس، بازی‌های سرو صدا دار، عروسک بازی و غیره انتخاب شدند و سپس در ۴ محلی که کودکان آنها را مناسب اعلام نموده بودند، میزان ارتباطات اجتماعی و فعالیت‌های کالبدی آنان مورد سنجش واقع شد. طبق بررسی‌های انجام شده در خیابان‌های اطراف منزل بیش‌ترین فعالیت صورت می‌پذیرد و در پارک‌ها

بیشترین ارتباطات اجتماعی اتفاق می‌افتد. این امر در تحقیقات پیشین نیز تأیید شده است (لاهیجانیان و شیعه‌بیگی، ۱۳۸۹: ۹۸)

نتایج

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد تمامی ۴ مکان مناسب از دیدگاه کودکان امکان ایجاد روابط اجتماعی مناسب را برای همه اقشار اجتماع دارند. با توجه به بازی‌های انتخاب شده می‌توان گفت که کودکان منطقه ۶ قدرت انتخاب بالایی در نوع بازی دارند. علت حق انتخاب بالای کودکان منطقه ۶ داشتن مکان‌های عمومی زیاد و نداشتن محدودیت استفاده از آنها است.

جدول ۱: میزان فعالیت کالبدی و روابط اجتماعی در محل‌های مختلف

نوع فعالیت	بیشترین فعالیت	خیابان‌های اطراف منزل	فضاهای باز اطراف منزل	پارک ساعی	پارک لاله
فعالیت کالبدی	۲۷	۲۱	۲۷	۱۵	۱۱
روابط اجتماعی	۶	۵	۶	۶	۵

منبع: یافته‌های تحقیق

۶۰ درصد کودکان اکثر فعالیت‌های خود را در اطراف منزل خود انجام می‌دهند. علاوه بر نزدیکی خیابان‌ها به منزل موضوع وجود همسایگان و آشنایان در این موضوع حائز اهمیت است. وجود آشنایان در خیابان‌های اطراف منزل باعث ساخت هویتی مثبت می‌شود و در نتیجه دیگر کودکان به کیفیت مکان توجهی نمی‌کنند. پس علاوه بر نزدیکی منزل به محل بازی، آشنایی با محل نیز در این خصوص اهمیت دارد. چه بسا محیطی از نظر کیفیت در سطح پایینی باشد، ولی به دلیل وجود حس آشنایی با محل، کودکان آن را مناسب می‌دانند. می‌توان گفت علت انتخاب خیابان‌های نزدیک منزل در این نکته است که محیط‌های دیگر برایشان ناشناخته و ناامن و دارای غریبه‌های زیاد است. مکان‌های دور از منزل به نظر کودکان این منطقه ناامن هستند.

۷۰ درصد کودکان این منطقه خیابان‌ها را محلی برای تماشا کردن ویتترین مغازه‌ها و خرید کردن و قدم زدن و نشستن می‌دانستند و ۸۸ درصد آنها مشکلات خیابان‌ها را اشغال فضای پیاده رو توسط مغازه‌داران، عبور موتور سواران از پیاده‌روها، زباله، تراکم جمعیت در یک نقطه، و سرعت بالای وسایل نقلیه می‌دانستند. همچنین آنها به کوچکی بعضی از معابر نیز اشاره داشتند. این امر مبین این موضوع است که تناسبی میان فضا با حجم عملکردهای مربوطه وجود ندارد.

تمام مکان‌هایی که کودکان این منطقه آن را مناسب می‌دانستند محیط‌های بازی هستند که به آنها اجازه فعالیت آزادانه را می‌دهد. خیابان‌های اطراف منزل و محله و فضاهای باز همه از پیش طراحی نشده هستند و پارک ساعی و لاله تنها فضاهای دارای اهداف از پیش تعیین شده می‌باشند. اگر هم پارک ساعی یا لاله در خارج از محله‌ای که کودکان در آن ساکن هستند قرار داشته است، ولی به دلیل امنیت و زیبایی کودکان به آن علاقه‌مند هستند. خیابان‌ها و فضاهای باز اطراف منزل به دلیل آشنایی و مشخصات دیگرشان که در زیر ذکر شده‌اند دارای اهمیت هستند.

محیط معنادار: عوامل حیاتی در خصوص معنادار کردن یک محیط برای کودکان شامل موارد زیر است: ایجاد فضایی که فعالیت‌های مختلف و بازی‌های گوناگون کودکان در آن قابل انجام باشد؛ ایجاد محیطی که کودک توانایی انتخاب فعالیت‌های گوناگون را داشته باشد؛ نزدیکی به محل زندگی؛ و آشنایی با محل. این رابطه در خصوص

ارتباط میان کودکان با محیط به صورت میزان یادگیری کودک در محیط بیرون بررسی می‌گردد. اگر ارتباط کودکان با محیط بدون داشتن محدودیت باشد، کودکان معنای بهتر و کامل‌تری از محیط به دست خواهند آورد. تجارب مستقیم و غیرمستقیم کودکان در محیط باعث کمک به انتخاب محیط‌های بهتر و مفیدتر می‌شود. کودکان این منطقه مکان‌های زیر را به عنوان محیط‌های معنادار و آموزنده انتخاب نمودند: فرهنگسراها و موزه‌ها ۴۸ درصد؛ سینماها ۲۳ درصد؛ پارک ساعی ۱۷ درصد؛ و فضای باز اطراف منزل ۱۲ درصد.

قلمرو: قلمرو، تجلی بخشی از تلاش‌های فردی یا گروهی برای دفاع از محیط در مقابل دیگران و تعارضات است. مکان می‌تواند زمانی قلمرو باشد و در زمان‌های مختلف دیگر قلمرو نباشد (Sack, 1986:54). ایجاد قلمرو توسط ارتباط محیط با کودک به صورت در دسترس بودن آن در زمان طولانی معرفی می‌گردد؛ به این معنی که محیط برای زمان طولانی در دسترس کودک باشد و به کودک اجازه مالکیت و خصوصی کردن و محافظت از آن را در مقابل دیگران بدهد. این ارتباط دوجانبه و متقابل باعث ایجاد قلمرو می‌گردد. در قلمرو هیچ فردی حق نقض و تجاوز به آن را ندارد. استفاده بدون محدودیت در هر زمان و پیوند عاطفی با این محدوده از مشخصات اصلی قلمرو در دوران کودکی و جوانی است (Sack, 1986:56). با توجه به نظرات کودکان استفاده‌کننده از فضاهای پارک ساعی و فضاهای باز و خیابان‌های اطراف منزل، مکان‌های مناسب در خصوص موضوع قلمرو به شرح زیر هستند: پارک ساعی ۳۳ درصد؛ فضاهای باز اطراف منزل ۳۳ درصد؛ خیابان‌های اطراف منزل ۲۲ درصد؛ سایر فضاها ۱۴ درصد. امتیاز مکان‌های مناسب قلمرو همانند امتیاز مکان‌های بااهمیت در زمینه معنی دار بودن محیط هستند. فقط جای پارک ساعی و خیابان‌های اطراف در آن جایجا شده‌اند. سؤال این است که چطور فضاهای باز اطراف منزل و پارک ساعی در زمینه قلمرو از خیابان‌های اطراف منزل پیشی گرفته‌اند؟ جواب بدین علت است که مشخصات محیطی و میزان دسترسی کودکان به بازی در پارک ساعی و فضاهای اطراف منزل بیشتر از خیابان‌های اطراف منزل است.

وجود مکان‌های مخفی: وجود خلوت در زمان کودکی سه بعد دارد: خلوت فردی، خلوت در محیط، خلوت در نفس. کودکان در محیطی که بتوانند از حریم خصوصی خود لذت ببرند احساس راحتی می‌کنند. آداب و فرهنگ‌ها و قابلیت‌های محیط در ایجاد محیط‌های پنهان و خلوت تأثیرگذار است (Wolfe & Laufer, 1975:66). خلوت فردی را می‌توان به صورت مدیریت در روابط و اطلاعات اعلام نمود. نمونه این مورد را در عدم ارتباط با دیگران و تعیین حد و مرزی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با دیگران می‌توان مشاهده نمود. همچنین خلوت در محیط دارای سه عامل فرهنگی، اجتماعی-کالبدی و چرخه زندگی است. خلوت در نفس را می‌توان به صورت ایجاد محدوده‌ای بیان نمود که فرد در آن می‌خواهد تنها باشد یا با دیگران باشد تا از خود حفاظت کند. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با کودکان منطقه ۶ آن‌ها اعلام می‌نمودند که در محله‌های خود هیچ جایی برای پنهان نمودن وسایل وجود ندارد. البته معمولاً شناخت مکان‌های پنهانی کودکان بسیار سخت می‌باشد و معمولاً در صورت پرسش اعلام موقعیت این مکان محقق با جواب‌های "اگر به تو بگویم دیگر مخفی نیست" و یا "نمی‌گویم" مواجه گردید. البته این جواب‌ها پاسخ مناسبی برای سؤال به نظر می‌رسند. معمولاً مکان‌های ناشناخته برای این بعد از ارتباط با مکان معرفی می‌گردند. برای مثال کودکان پارک یا خیابان‌های دور از منزل را مناسب از این جهت می‌دانند، زیرا فکر می‌کنند از

نگاه‌های مردم، والدین و همسایگان به دور هستند. کودکان مورد تحقیق مکان‌های زیر را مناسب پنهان نمودن و مخفی شدن می‌دانستند. خیابان‌های دور از منزل ۳۴ درصد؛ فضاهای باز و عمومی دور از منزل ۳۳ درصد و پارک شفق ۳۳ درصد.

آزادی بیان: برای شکل‌گیری چنین رابطه‌ای افراد باید آزادی برقراری ارتباط با یکدیگر را داشته باشند و ترسی از بیان خود و نظرات خود به دیگران نداشته باشند. در زمینه ارتباط با محیط کودکان می‌توان این موضوع را به صورت مشارکت آنها در مسائل تأثیرگذار روی زندگی ایشان بیان نمود. کودکان از طریق آهنگ و نقاشی و غیره نظر خود را در خصوص مکان بیان می‌دارند. از سوی دیگر، آزادی بیان در مکان‌ها وابسته به خود آن مکان‌ها می‌باشد. کودکان این منطقه مکان‌هایی که در آن دارای آزادی بیان هستند را به شرح زیر اعلام نمودند: پارک ساعی ۳۰ درصد؛ خیابان‌های اطراف خانه ۲۰ درصد؛ محله خود ۲۰ درصد؛ کل محدوده ۱۵ درصد؛ و پارک لاله ۱۵ درصد.

یافته‌ها

در این پژوهش براساس موقعیت جغرافیایی محل زندگی کودکان مصاحبه شده در منطقه و موقعیت اجتماعی و فرهنگ آنها شرایط یک مکان دوستدار کودک بیان شد. این کودکان ۲۰ مکان را براساس ۶ عامل معرفی شده مناسب می‌دانستند. بنابراین این اماکن براساس زمان حضور کودکان، تجربه آنها از این اماکن، جنسیت آنها و غیره بررسی شدند. به علت اینکه مکان‌ها ممکن است شرایط و مشخصات مختلفی داشته باشند کودکان براساس این مشخصات به روش‌های گوناگونی از آنها استفاده می‌نمایند (Doll, 1996: 168).

تیپولوژی براساس اهداف ساخته می‌شوند و اهداف، مبین شرایط و معیارهای شایستگی تیپولوژی می‌باشند. تیپولوژی ساخته شده در این مرحله براساس مطالعات انجام شده در منطقه ۶ می‌باشد. این تیپولوژی براساس جمعیت، فرهنگ، هدف محیط دوستدار کودک و معیارهای محیط دوستدار کودک ایجاد می‌گردد (Read & Russell, 1996: 668).

این تیپولوژی اماکن را براساس نقش، موقعیت و مالکیت آنها طبقه‌بندی می‌نماید. برای ساخت این تیپولوژی تمامی مکان‌های مناسب ذکر شده توسط کودکان به ۹ طبقه تقسیم شد که عبارتند از: فضاهای باز محلی هدفمند، فضاهای باز محلی بی‌هدف، خیابان‌ها، فضاهای باز منطقه‌ای هدفمند، بناهای یادبود و تاریخی، واحد همسایگی، محله، مکان‌های خصوصی، مدرسه، محله‌های اطراف، منزل، خرده‌فروشی (Racelis, 2002: 99).

در جدول ذیل با توجه به مصاحبه و پرسشنامه‌های صورت گرفته، اولویت‌بندی و توزیع مکان‌های دوستدار کودکان با توجه به ۶ عامل فوق یعنی توجه و احترام به مکان، معنی‌دار بودن، آموزنده بودن مکان، قلمرو، داشتن مکان‌های سری و آزادی بیان آورده شده است.

در جدول بالا تأثیر محیط‌های باز از پیش طراحی شده مشخص شد. نتیجه آن که محیط‌های باز از پیش طراحی شده در تمامی ابعاد مورد بررسی، نقش مهمی را دارا نیستند. بنابراین از طریق جدول زیر بیان می‌شود، کدام مکان پاسخی مناسب به یکی از ۶ عامل مورد بررسی داده‌اند.

جدول ۲: توزیع دوستدار کودک

انواع مکان در ابعاد	توجه و احترام به مکان	معنسی دار بودن	آموزنده بودن مکان	قلمرو	داشتن مکان‌های مخفی	آزادی بیان	پاسخ‌های مثبت	توزیع دوستدار کودکان بودن
فضاهای باز محلی طراحی شده و هدفمند	۲۱	۱۱	۴	۱۳	۴	۱۳	۶۶	٪۳۴
فضاهای باز محلی بی‌هدف و ارگانیک	۶	۹	۳	۱۰	۸	۲	۳۸	٪۱۹
خیابان‌ها	۳	۹	۰	۴	۴	۵	۲۵	٪۱۳
فضای باز منطقه‌ای هدفمند	۶	۲	۷	۲	۳	۲	۲۲	٪۱۱
بناهای تاریخی	۲	۰	۱۰	۲	۱	۲	۱۷	٪۹
واحد همسایگی	۱	۳	۰	۱	۰	۴	۹	٪۵
محل	۰	۰	۲	۱	۰	۵	۶	٪۳
مکانهای خصوصی دیگر	۰	۱	۱	۰	۲	۱	۵	٪۲
مدرسه	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۴	٪۲
محل‌های مجاور	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۳	
خانه	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۲	٪۱
خرده فروشی	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲	٪۱
مکانهای نامبرده	۴۱	۳۶	۲۹	۳۴	۲۳	۳۶	۱۹۹	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳: میزان ارتباط ۶ عامل مورد نظر دال و ۱۲ مکان انتخابی

انواع مکان در ابعاد	توجه و احترام به مکان (درصد)	معنسی دار بودن (درصد)	آموزنده بودن مکان (درصد)	قلمرو (درصد)	داشتن مکانهای سری (درصد)	آزادی بیان (درصد)	پاسخ‌های (درصد)
فضاهای باز محلی هدفمند	۳۱/۸	۱۶/۷	۶/۱	۱۹/۷	۶/۱	۱۹/۶	۶۶
فضاهای باز محلی بی هدف	۱۵/۷	۲۳/۷	۷/۹	۲۳/۷	۲۱/۱	۷/۹	۳۸
خیابان‌ها	۱۲	۳۶	۰	۱۶	۱۶	۲۰	۲۵
فضای باز منطقه‌ای هدفمند	۲۷/۳	۹/۱	۳۱/۸	۹/۱	۱۳/۶	۹/۱	۲۲
بناهای تاریخی	۱۱/۸	۰	۵۸/۸	۱۱/۸	۵/۸	۱۱/۸	۱۷
واحد همسایگی	۱۱/۱	۳۳/۳	۰	۱۱/۱	۰	۴۴/۵	۹
محل	۰	۰	۲۰	۱۶/۷	۰	۸۳/۳	۶
مکان‌های خصوصی دیگر	۰	۲۰	۲۰	۰	۴۰	۲۰	۵
مدرسه	۰	۰	۲۵	۲۵	۰	۵۰	۴
محل‌های مجاور	۳۳/۳	۰	۶۶/۷	۰	۰	۰	۳
خانه	۵۰	۵۰	۰	۰	۰	۰	۲
خرده فروشی	۰	۰	۵۰	۰	۵۰	۰	۲

منبع: یافته‌های تحقیق

برای شناخت نقش هر کدام از ۱۲ مکان ذکر شده توسط کودکان جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۴: میزان پرورش هر کدام از ۶ عامل مورد نظر دال توسط مکان‌های مختلف

تعداد پاسخ‌ها در هر بعد	توجه و احترام به مکان	معنی دار بودن	آموزنده بودن مکان	قلمرو	داشتن مکانهای سری	آزادی بیان
۴۱	۳۶	۲۹	۳۳	۲۳	۳۷	
نوع مکان در هر بعد (درصد)						
فضاهای باز محلی هدفمند	۵۱/۲	۳۰/۵	۱۳/۸	۳۸/۳	۱۷/۴	۳۶/۲
فضاهای باز محلی بی هدف	۱۴/۸	۲۵	۱۰/۳	۲۹/۴	۳۴/۹	۵/۵
خیابان‌ها	۷/۳	۲۵	۰	۱۱/۸	۱۷/۴	۱۳/۹
فضای باز منطقه‌ای هدفمند	۱۴/۶	۵/۶	۲۴/۱	۵/۹	۱۳	۵/۵
بناهای تاریخی	۴/۹	۰	۳۴/۵	۵/۹	۴/۳	۵/۵
واحد همسایگی	۲/۴	۸/۳	۰	۲/۹	۰	۱۱/۲
محل	۰	۰	۰	۲/۹	۰	۱۳/۹
مکان‌های خصوصی دیگر	۰	۲/۸	۳/۵	۰	۸/۷	۲/۸
مدرسه	۰	۰	۳/۵	۲/۹	۰	۵/۵
محل‌های مجاور	۲/۴	۰	۶/۸	۰	۰	۰
خانه	۲/۴	۲/۸	۰	۰	۰	۰
خرده فروشی	۰	۰	۳/۵	۰	۴/۳	۰

براساس جدول بالا سه نتیجه مهم حاصل می‌شود: در صورت ایجاد فضاهای باز هدفمند در محله، کودکان احترام بیشتری به محیط خواهند گذاشت و از محیط بیشتر محافظت و مراقبت می‌نمایند؛ در صورت ایجاد فضاهای باز هدفمند در محله، خیابان‌های محله امنیت بیشتری خواهند داشت و محیط‌هایی که فعالیت کودکان را بیش‌تر می‌کند بیش‌تر ایجاد خواهند شد؛ در صورت ایجاد فضاهای باز هدفمند در محله، محیط‌های آموزنده بیشتری در سطح محله و شهر ایجاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پیمایش میدانی، بیش از ۸۰ درصد کودکان شرایطی که باعث می‌شود یک محیط دوستدار کودک باشد را موارد زیر اعلام کردند. بدیهی است بسیاری از این موارد با زبان خاص کودکان تبیین شده‌اند و پس از پردازش مصاحبه‌ها به صورت تخصصی بیان می‌شوند: امکان فعالیت‌های گوناگون را برای کودکان ایجاد کند؛ نزدیک به منزل باشد؛ برای کودکان آشنا باشد، زیرا کودکان در این نوع مکان‌ها بیشتر فعالیت می‌کنند؛ هویت مثبت داشته باشد؛ امکان ایجاد قلمرو را داشته باشد؛ چند گره‌ای باشد یا امکان وجود چندین قلمرو را ایجاد کند؛ امکان آزادی بیان را ایجاد کند؛ از نظر کالبدی و اجتماعی مناسب باشد؛ دارای نشانه‌های فرهنگی و تاریخی باشند؛ امکان ارتباط اجتماعی را فراهم آورند؛ کودکان بتوانند در آنها نقش‌های گوناگونی داشته باشند؛ کودکان در آنها امکان ناشناس ماندن را بتوانند تجربه کنند؛ مورد توجه گروه‌های زیاد مردم نباشند؛ دارای وسایل و مشخصاتی برای پنهان شدن باشند. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد احساس دوگانه و متضاد کودکان در زمینه وجود امنیت و در عین حال وجود کنج‌ها و مکان‌های مخفی کاملاً نشان از تضادهای عمیق زندگی شهری در کلان‌شهری بزرگ همچون تهران را در خود رخنمون می‌سازد. این امر، لزوم انجام پژوهش‌های رفتارهای محیطی را بیش از پیش مشخص می‌سازد.

بر مبنای این یافته‌ها، مواردی که در سیاست‌گذاری و طراحی محیط‌های دوستدار کودک پیشنهاد می‌شود عبارتند از: مکان‌ها دارای نشانه‌های مختلف باشند تا کودکان با مشاهده آنها بتوانند نحوه استفاده از مکان‌ها را به درستی متوجه شوند و به آنها عمل نمایند؛ مکان‌های مناسب کودکان باید دارای نشانه‌های بصری امنیتی باشند؛ مکان‌های مناسب کودکان دارای زیبایی‌های بصری نیز باید باشند؛ مکان‌های دوستدار کودک باید محلی برای جمع شدن مردم عادی نیز باشند، زیرا بسیاری از روابط اجتماعی مناسب کودکان و آموزنده برای آنها در مکان‌هایی که مردم با فرهنگ‌های متفاوت جمع می‌شوند اتفاق می‌افتد؛ مکان‌های دوستدار کودک زمانی موفق خواهند بود تا کودکان را از هیاهوی بیرون‌رهایی دهند، در صورتی که این محل‌ها نیز مانند بیرون‌داری هیاهو باشند کمتر استفاده خواهند شد و بیشتر تبدیل به مکان‌های بدون کودک خواهند شد؛ امکان فعالیت‌های گوناگون را برای کودکان فراهم نمایند؛ نزدیک محل زندگی کودکان نیز باشد، در این صورت است که بیشتر به کار می‌روند؛ از لحاظ طراحی به نحوی باشند تا به سرعت کودکان با آنها آشنا شوند، در غیر این صورت به دلیل ناآشنایی آنها کمتر از این محل‌ها استفاده می‌کنند؛ دارای هویت مثبت باشند، به عبارتی دیگر اگر در میان عامه مردم این اماکن دارای وجهه نامناسبی باشند کودکان با توجه به دیدگاه والدین خود ناخودآگاه از این اماکن استفاده نمی‌نمایند؛ دارای نوعی طراحی باشند تا کودکان به راحتی بتوانند برای فعالیت‌های خود قلمرو ایجاد نمایند؛ امکان فعالیت آزادانه و بیان آزادانه را برای کودکان فراهم نمایند؛ دارای نشانه‌های فرهنگی و تاریخی باشند تا بدین وسیله کودکان از هویت و تاریخ خود با اطلاع شوند؛ مکان‌های

دوستدار کودک باید محلی برای جمع شدن مردم عادی نیز باشند؛ امکان فعالیت و ایفای نقش‌های متفاوت را برای کودکان فراهم آورد؛ دارای فاصله مناسبی از منزل باشند تا بدین‌وسیله کودک در آنها ناشناس بماند و بتواند به فعالیت‌هایی که نیاز به محیط پنهانی دارد بپردازد؛ و در عین حال، این مکان‌ها نباید مورد توجه بزرگسالان باشد یا حداقل نباید دسترسی ساده برای آنها را فراهم کند. بدین‌وسیله کودک دارای محیطی خواهد بود که از دسترس بزرگسالان دور است ولی نظارت آنها را امکان‌پذیر می‌نماید؛ این مکان‌ها باید دارای تجهیزاتی باشند تا امکان پنهان شدن را برای کودکان فراهم نماید، بنابراین در طراحی این مکان‌ها از تجهیزاتی که این امر را فراهم می‌نماید باید استفاده نمود.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد ایجاد فضایی که دارای ۴ خصوصیت سرزندگی، انعطاف، خاطره‌انگیزی و ایمنی باشد، مورد پسند کودکان نیز قرار می‌گیرد. ایجاد تنوع در کالبد و عملکرد می‌تواند به سرزندگی فضای شهر کمک نماید. انعطاف در کف و بدنه و عناصر مستقر در فضا امر مهمی در ایجاد انعطاف فضاهای شهری است. نقش‌انگیزی و ایجاد محیطی مأنوس در فضای شهری در ایجاد خاطره‌انگیزی شهرها بسیار مؤثر است. ایمنی پیاده در برابر سواره و ایمنی سواره در برابر پیاده موضوعی اساسی برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک محسوب می‌شود.

از سوی دیگر ایجاد محیطی با فعالیت‌های متنوع، نزدیکی به محل زندگی و آشنایی با محل تحت تأثیر ۳ عامل تراکم جمعیت زیاد، کاربری مختلط و نوع طراحی (از پیش طراحی شده یا نشده) هستند. بنابراین ترکیبی از این ۳ مورد می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد محیط مناسب کودکان فراهم آورد.

منابع

- خطیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۰). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، هویت شهر، شماره سیزدهم، سال هفتم، بهار ۱۳۹۲، ۶۳-۷۳
- عظمتی، حمیدرضا و ضرغامی، اسماعیل و صدق پور، بهرام صالح و عظمتی، سعید (۱۳۹۱). بررسی نگرش استفاده‌کنندگان در طراحی فضای پارک‌های شهری به منظور ارتقاء خلاقیت پذیری فضای باز کودکان، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۲۳۳-۲۴۶
- قره‌بگلو، مینو و عینی‌فر، علیرضا و ایزدی، عباسعلی (۱۳۹۲). ارتقای تعامل کودک با مکان در فضای باز مجتمع‌های مسکونی مورد پژوهی سه‌گانه فضای باز مسکونی در شهر تبریز، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره دوم، دوره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲، ۶۹-۸۲
- کاشانی جو، خشایار و هرزندی، سارا و فتح‌العلومی، ایل‌ناز (۱۳۹۲). بررسی معیارهای مطلوب طراحی فضای شهری برای کودکان نمونه موردی: محله نظامیه تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ۲۳۹-۲۴۹
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری قزوین، مطالعات شهری، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۲، ۵۹-۶۸
- کیانی، اکبر و اسماعیل‌زاده کواکی، علی (۱۳۹۱). تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان، باغ نظر، شماره بیستم، سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ۵۱-۶۲
- لاهیجانیان، اکرم‌الملوک و شیعه‌بیگی، شادی (۱۳۸۹). رویکردی تحلیلی به طراحی و مدیریت پارک‌های شهری و رابطه آن با سلامت شهروندان، هویت شهر، شماره هفتم، سال پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۹۵-۱۰۴

- mouzegar, Z. & Sadeghi Naeinib, H. & Jafari, R. (2010), Design principle of playgrounds' equipments and spaces for children: An interaction education approach, *Procedia Social and Behavioral Sciences*2, 1968-1971
- Ariès, P. (1962). *Centuries of childhood; a social history of family life*. New York Knopf.
- Bartlett, S. (2002). The problem of children's injuries in low-income countries: a review. *Health Policy and Planning Journal*, 1-13.
- Chatterjee, S. (2002). *Toward Progressive Realization of the Rights of All Children in Creation of Child Friendly Cities in South Asia*. New Delhi: Habitat International Coalition. Retrieved 05.05.2006, 2006, from the World Wide Web: www.childfriendlycities.org
- Chawla, L., & Heft, H. (2002). Children's Competence and Ecology of Communities: A Functional Approach to the Evaluation of Participation. *Environmental Psychology*, 22, 201-216.
- Cunningham, H. (1995). *Children & Childhood in Western Society since 1500*. New York: Longman.271
- Dudek, M (2005) *Children's spaces*. Oxford: Architectural Press.
- Doll, B. (1996). Children without Friends: Implications for Practice and Policy. *The School Psychology Review* 25(2): 165-183.
- Hartup, W. W. (1991). *Having friends, making friends, and keeping friends: Relationships as educational contexts*. Early Report, 1-4.
- Horelli, L. & Prezza, M. (2004). *Child-Friendly Environments: Approaches and Lessons*. Helsinki University of Technology, Center for Urban and Regional Studies.
- Jorgensen, B.S. and R.C. Stedman (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners' Attitudes toward Their Properties, *Journal of Environmental Psychology* 21: 233-248.
- Kytta, M. (2003). *Children in Outdoor Contexts: Affordances and Independent Mobility in the Assessment of Environmental Child Friendliness*. Helsinki: Helsinki University of Technology
- Korpela, K. (1989). Place-identity as a product of environment self-regulation. *Journal of Environmental Psychology*, 9, 241-258.
- Maas, J., Verheij, R. A., de Vries, S., Spreeuwenberg, P., Schellevis, F. G., & Groenewegen, P. P. (2009). Morbidity is related to a green living environment. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 63(12), 967-973.
- Mohd Latfi, M.F. & Abdul Karim, H. (2012), Suitability of Planning Guidelines for Children Playing Spaces, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 38, Pages 304-314.
- patton, M. Q. (1990). *Qualitative Evaluation and Research Methods*, 2nd ed. Newbury Park, CA: Sage.
- Postman, N. (1982). *The Disappearance of Childhood*. New York: Vintage Books.
- Qvortrup, J. (Ed.). (2005). *Studies in Modern Childhood: Society, Agency, Culture*. New York: Palgrave Macmillan.
- Racelis, M. & Aguirre, A. D. (2002). Child rights for urban poor children in child friendly Phillipine cities:views from the community. *Environment & Urbanization*, 97-113.
- Read, D. W., & Russell, G. (1996). A method of taxonomic typology construction and an example: Utilized flakes. *American Antiquity*, 61(4), 663-684.
- Reyes, M, Paez, A& Morency, C. (2014). Walking accessibility to urban parks by children: A case study of Montreal. *Landscape and Urban Planning*.38-47
- Riley, R.B. (1992). *Attachment to the Ordinary Landscape*. In I. Altman and S.M. Low, eds. *Place Attachment*. New York: Plenum Press, 13-35.
- Sack, R. D. (1986). *Human Territoriality: its theory and history*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Valsiner, J. (1997). *Culture and the development of children's action: a theory of human development*. 2nd ed. New York: Wiley.
- Wolfe, M. & Laufer, R. S. (1975). *The concept of privacy in childhood and adolescence*. In D. H. Carson (Ed.), *Man-environment interactions: Evaluations and applications*. Part II. Strousberg, PA:Dowden, Hutchison & Ross, 1975.